
نیکی به پدر و مادر
مفهوم، فضائل، آداب و احکام آن
در پرتو قرآن و سنت

تألیف: نیازمند الله تعالی
د. سعید بن علی بن وهف قحطانی

ترجمه: پدرام اندایش

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و به یاد الله و برای الله، شهادت می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله تعالی وجود نداشته و محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد، کتابی که پیش رو داریم، دیبانه‌ی نیکی به پدر و مادر است، امری که در آن خوشبختی دنیا و آخرت وجود دارد، مگر برای تعداد بسیار اندکی از مردم.
مقدمه‌ی مؤلف

شکر و ستایش برای الله است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آمرزش می‌نماییم. به الله تعالی پناه می‌بریم از شرّهای درونیمان و بدی‌های اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. شهادت می‌دهم که پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله وجود ندارد و محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد، صلی الله علیه و علی آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين و سلم تسليماً كثيراً.
اما بعد:

این مطلبی مختصر است درباره‌ی نیکی به پدر و مادر؛ در آن مفهوم نیکی به پدر و مادر در لغت و اصطلاح و مفهوم عاق والدین شدن،

در لغت و اصطلاح، بیان شده است، سپس دلایلی از قرآن و سنت مبنی بر واجب بودن نیکی به پدر و مادر و حرام بودن عاق شدن آنها وجود دارد، سپس بعد از آن انواعی نیکی که به پدر و مادر بعد از مرگشان به آنها می‌رسد، ذکر شده است.

از الله تعالی درخواست دارم که این عمل را با برکت، منفعت رساننده و خالص برای رضایت‌مندی صورت گرامی‌اش، قرار دهد و توسط آن در زندگی و بعد از مرگم به من سود برساند و همچنین به هر کسی که با آن ارتباط دارد، منفعت برساند؛ الله تعالی بهترین درخواست شونده و گرامی‌ترین آرزو شونده است و او برای ما کافی است و نگهبان نیکی می‌باشد و هیچ قدرت و توانی وجود ندارد، مگر به اذن الله بلندمرتبه و بزرگ، صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلی یوم الدین.

۱

ل مؤلف: أبو عبد الرحمن

ح

رر بعد عصر یوم الخمیس الموافق

۲

۱۴۲۶/۵/هـ

اول: مفهوم نیکی به پدر و مادر در لغت و اصطلاح:
 در لغت: «البرُّ» به معنای خیر و بخشش است، گفته می‌شود: «بَرَّ الرجلُ» (مرد نیکی کرد)، «بَرَّ بِرَأً» (نیکی کرد چه نیکی کردنی)، مانند: عَلِمَ يَعْلَمُ علماً، گفته می‌شود: «فَهُوَ بَرٌّ» (او نیک است)، «بَارٌّ» به معنای راستگو و پرهیزگار است و آن بر خلاف «الفاجر» (گناهکار است)، جمع «البر» «أبرار» است و جمع «البار»: برره، مانند: کافرٌ، وكفرٌ. «بَرَرْتُ والدي»، «أبررُهُ، بَرًّا» به معنای نیکو کردن اطاعت از وی است و [همچنین] مدارا نمودن و ایجاد محبت نمودن و تحمل سختی‌ها است^(۱). «والبرُّ» (نیکی): ضد عاق شدن است^(۲).
 ابن الأثير رحمه الله گفته است: «البرُّ» با کسره به معنای نیکوکاری است و از آن حدیثی است که درباره‌ی «بر» نیکی به پدر و مادر آمده است و آن انجام حق آنها و حق نزدیکان است و برخلاف عاق شدن است که به معنای بدی کردن به آنها و ضایع کردن حق آنها است^(۳). «البر» (نیکی): اسمی

(۱) المصباح المنیر، لأحمد بن محمد القیومی (۴۳/۱).

(۲) مختار الصحاح، للرازی (ص ۱۹).

(۳) النهاية فی غریب الحديث لابن الأثير (۱۱۶/۱).

جامع برای امور خیر است و اصل آن اطاعت است ^(۱).

در اصطلاح: «یر الوالدین» به معنای نیکی کردن به پدر

و مادر است ^(۲) [این عمل با قلب، سخن و عملی که برای تقرب به الله تعالی صورت می‌گیرد، می‌باشد].

دوم: مفهوم عاق والدین شدن در لغت و اصطلاح:

در لغت: عَقَّ، يَعُقُّ عَقَوًا (عاق شدن):
العُقَّ (عاق شدن) به معنای به سختی انداختن است، گفته می‌شود: «عَقَّ ثوبه»، همان گونه که گفته می‌شود: «شَقَّ ثوبه»، همچنین گفته می‌شود: «عَقَّ الولدُ أباه، [وعَقَّ أمه]»، از باب قَعَدَ و به معنای نافرمانی کردن از آنها و ترک نیکوکاری از

آنها می‌باشد و چنین کسی «عاقٌّ» می‌باشد و جمع آن: عَقَقَةٌ است ^(۳).
گفته می‌شود: «عَقَّ والدهُ يَعُقُّ» (عاق پدرش شد و به سختی انداخت)، عَقَوًا (عاق شدن) و «معقَّة» بر وزن «مشقة»، همچنین جمع

«عاقی»: «عَقَقَةٌ»، به مانند: «کافر» و «کفرَةٌ» ^(۴).

این تأثیر رحمه الله گفته است: گفته می‌شود: «عَقَّ والدهُ يَعُقُّ» عَقَوًا، او کسی است که عاق شده است و به معنای آن است که او را آزار داده است و از او نافرمانی نموده است، آن برخلاف «الیر» است و اصل آن «العُقَّ» به معنای به سختی انداخت و قطع نمود ^(۵).

گفته می‌شود: «عَقَّ أباه، وعَقَوًا، ومعقَّة» به معنای آن است که او (پدر) را سبک گرفت و از او نافرمانی کرد و نیکی کردن به وی را

(1) معجم لغة الفقهاء، لمحمد رؤسی (ص ۸۴).

(2) المرجع السابق (ص ۸۵).

(3) المصباح المنیر (۲/۴۲۲).

(4) مختار الصحاح (ص ۱۸۷).

(5) النهاية فی غریب الحديث (۳/۲۷۷)، نگاه شود به لغة الفقهاء (ص ۲۸۷).

()
ترک نمود^۱.

مفهوم عاق پدر و مادر شدن در اصطلاح: آن عصبانی

()
کردن آن دو با ترک نیکی کردن به آنها می‌باشد^۲.

گفته می‌شود: «عقوق الوالدین» (عاق پدر و مادر

شدن): تمامی اعمالی است که توسط آن پدر و مادر آزار می‌بینند که برای آنها

()
آسان نیست، همراه با آن که از افعال واجب نمی‌باشد^۳.

گفته می‌شود: «عقوق الوالدین»: آن آزاری است که

توسط فرزند به پدر و مادر صورت می‌گیرد و شامل سخن یا عمل می‌شود، مگر

آن که [ترک آن عمل] شرک یا گناه باشد که در آن صورت خیره‌سری از پدر و

()
مادر نمی‌باشد^۴.

(1) القاموس الفقہی (ص ۲۵۸).

(2) لغة الفقہاء (ص ۲۸۷).

(3) القاموس الفقہی (ص ۲۵۸).

(4) المرجع السابق (ص ۲۵۸).

نزدیک‌ترین سخن آن است که «عقوق الوالدین»: هر سخن یا عمل یا ترک کاری است که باعث آزار پدر و مادر می‌شود. سوم: نیکی به پدر و مادر از مهمترین امور مهم می‌باشد و بزرگترین اموری است که توسط آنها تقرب صورت می‌گیرد و بر جلال‌ترین اطاعت‌ها و واجب‌ترین واجب‌ها و عاق شدن آنها بزرگترین گناهان کبیره و زشت‌ترین جرم‌ها و پست‌ترین هلاک‌کننده‌ها است؛ زیرا برای آن دلایل روشنی از قرآن و سنت وجود دارد که بدین شرح می‌باشد:

۱- الله تعالی بجا آوردن حق پدر و مادر و نیکی کردن به آنها را با عبادت وی سبحانه و تعالی همراه نموده است، همان گونه که تشکر از آنها را با تشکر از خودش همراه فرموده است، پدر و مادر سببی ظاهری برای وجود داشتن فرزند هستند و این دلیل است که شدیداً بر بجا آوردن حق آنها و نیکی کردن به آنها را تأکید می‌نماید، چه در سخن و چه در عمل؛ زیرا آن دو در کودکی شخص را دوست داشته‌اند و به وی نیکی کرده‌اند در حالی که او کم سن و سال و ضعیف بوده است و این تأکیدی بر حق آنها و واجب بودن نیکی به آنها دارد و انواع آزار به آنها به علت آن حرام می‌شود که شامل نالیدن از آنها یا نق زدن بر خدمت به آنها می‌باشد و گاهی بالا بردن صدا بر آنها یا دست بلند کردن بر آنها می‌باشد، در آیات بسیاری بجا آوردن حق پدر و مادر با عبادت الله ﷻ همراه شده است^(۱)، از آنها این سخن الله ﷻ می‌باشد: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسِنًا﴾ [النساء: ۳۶] (و الله را عبادت کنید و ذره‌ای به او شرک نورزید و به پدر و مادر نیکی کنید). الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا

(۱) انظر: تفسیر ابن کثیر (۳/۳۵)، وفتح القدير للشوکانی (۳/۲۱۸)، و تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان للسعدی (۴/۲۷۰)، وأضواء البیان فی تفسیر القرآن بالقرآن للشيخ طه (۳/۴۹۷).

بِهِ شَيْعًا وَيَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا ﴿[الأنعام: ١٥١]﴾ (بگو: بیایید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است را بگوییم، این است که ذره‌ای به او شرک نرزید و به پدر و مادر نیکی کنید). الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَيَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا﴾ [الإسراء: ٢٣] (و پروردگارت حکم نموده است تا غیر او را بندگی و پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید). الله ﷻ می‌فرماید: ﴿أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَا ذِكْرُ لِي أَلَمْ صِيرُ﴾ [لقمان: ١٤] (از من و پدر و مادرت شکر کن و بازگشت [همه] به سوی من است).

۲ - نیکی به پدر و مادر از جهاد برتر است و منزلت آن از جهاد در راه الله تعالی بالاتر است؛ زیرا عبدالله بن عمر رضی الله عنهما گفته است: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد تا برای جهاد اجازه بگیرد، او ﷺ فرمود: «أَحْيُ وَالِدَاكَ» (آیا پدر و مادرت زنده هستند)، گفت: بله، فرمود: «فَفِيهِمَا فَجَاهِدْ» (پس در [خدمت به] آن دو جهاد کن!). در لفظ مسلم آمده است: مردی نزد پیامبر الله ﷺ آمد و گفت: یا تو در هجرت نمودن و جهاد بیعت می‌کنم و خواستار اجری از الله می‌باشم، او ﷺ فرمود: «فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ» (آیا از پدر و مادرت کسی زنده است؟)، گفت: بله، هر دوی آنها، فرمود: «فَتَبْتَغِي الْأَجْرَ مِنَ اللَّهِ» (آیا در طلب اجری از

الله هستی؟)، گفت: بله، فرمود: «فَارْجِعْ إِلَى وَالِدَيْكَ فَأَحْسِنْ صُحْبَتَهُمَا» (پس به

(۱)

نزد پدر و مادرت برگرد و در معاشرت، به آنها نیکی کن!)^(۱).

این حجر رحمه الله گفته است: اگر برایت پدر و مادری

وجود دارد در نیکی به آن دو جهاد کن و به آنها نیکی کن؛ اگر این کار را انجام

(۲)

دهی در مقام جهاد می‌باشی^(۲)؛ زیرا مقصود از جهاد برای پدر و مادر: کوشش

نمودن و گشایش دادن و تا حد اکثر توان نیکی به آنها می‌باشد؛ اهمیت آن نزد

علماء در حدی است که جهاد جایز نمی‌گردد، مگر به اجازه‌ی آن دو، البته در

صورتی که هر دوی آنها مسلمان باشند؛ زیرا نیکی به آنها فرض عین^۳ است و

جهاد فرض کفایه می‌باشد و فرض عین اجازه نمی‌خواهد؛ جهاد وقتی

فرضی (واجبی) برای همه می‌باشد که امام مردم را به جنگ دعوت کند یا این که

دشمن به سرزمین مسلمانان حمله نموده باشد یا هنگامی که دو گروه مسلمانان

(۳)

و کافران در جلوی یکدیگر صف کشیده باشند^(۳).

۳ - نیکی به پدر و مادر: برترین عملها، نزدیک‌ترین

اعمال در وارد بهشت شدن و بعد از نماز - که از بزرگترین اعمال اسلام است

- دوست داشتنی‌ترین عمل نزد الله تعالی می‌باشد؛ زیرا پیامبر ﷺ از آن باخبر

نموده است و با «ثُمَّ» (پس) آن را ترتیب داده است که شامل ترتیب داشتن و

(۴)

فاصله داشتن می‌باشد^(۴)، عبدالله بن مسعود^۵ گفته است: از رسول الله ﷺ پرسیدم:

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الجهاد یأذن الأئیین، برقم ۳۰۰۴، و کتاب الأدب، باب: لا یجاهد إلا یأذن

الأئیین، برقم ۵۹۷۲، و مسلم، کتاب البر والصله والأداب، باب بر الوالدین

وأنهما أحق به، برقم ۲۵۴۹.

(2) فتح الباری شرح صحیح البخاری (۴۰۳/۱۰).

۳ - فرض عین یعنی در هر حالتی واجب است انجام بگیرد و فرض کفایه به معنای آن است که اگر

عدمای در حد نیاز آن را انجام دهند، از بقیه ساقط می‌شود. (مترجم)

(4) نگاه شود به شرح مشکل الآثار للطحاوی (۵۶۳/۵)، و معالم السنن للخطابی (۳۷۸/۳)، و المفهم

لما أشکل من تلخیص کتاب مسلم للقرطبی (۵۰۹/۶).

(5) نگاه شود به الجامع لأحكام القرآن للقرطبی (۲۴۲/۱۰).

کدام اعمال برتر است؟ فرمود: «الصَّلَاةُ لَوْ قَتَلَهَا» (نماز در وقت آن)، گفتم: سپس کدام؟ فرمود: «ثُمَّ يَرْوِي الْوَالِدَيْنِ» (سپس نیکی کردن به پدر و مادر)، گفتم: سپس کدام؟ فرمود: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (جهاد در راه الله) [و گفته است:] آنها را رسول الله ﷺ برای من بیان نمود و اگر اضافه‌تر می‌پرسیدم، اضافه‌تر جواب می‌-

داد.^(۱) در لفظی دیگر آمده است: کدام عمل نزد الله دوست‌داشتنی‌تر است؟ فرمود:

«الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا...»^(۲) . همچنین با این لفظ آمده است: کدام اعمال بهتر انسان را به بهشت نزدیک می‌کند؟ فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى مَوَاقِيتِهَا...» (نماز در وقت‌های آن...)^(۳) .

۴ - نیکی به پدر و مادر، پروردگار ﷻ را راضی می‌گرداند، عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «رَضِيَ

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الصلاة، باب فضل الصلاة لوقتها برقم ۵۲۷، ۲۷۸۰ و ۷۵۲۳، ومسلم، کتاب الإيمان، باب بیان کون الإيمان بالله تعالی أفضل الأعمال، برقم ۸۵.

(2) البخاری، برقم ۵۲۷، ۵۹۷۰، ومسلم، برقم ۱۳۹ (۸۵).

(3) مسلم، برقم ۱۳۸ (۸۵).

الرَّبِّ فِي رِضَى الْوَالِدِ وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ»^(١) (رضایت پروردگار در رضایت پدر است و خشم پروردگار در خشم پدر است).

۵ - نیکی به پدر و مادر، انسان را داخل بهشت می-

نماید، ابودرداء^(ع) آورده است که رسول الله^(ص) فرمود: «الْوَالِدُ أَوْسَطُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَإِنْ شِئْتَ فَأَضِعْ ذَلِكَ الْبَابَ أَوْ احْفَظْهُ» (پدر وسط‌ترین درب از درهای بهشت می‌باشد، پس اگر خواستی آن درب را واگذار کن یا از آن محافظت به عمل

آور!)^(٢). معاویه بن جاهمة رضی الله عنهما گفته است: جاهمة^(ع) نزد پیامبر^(ص) آمد و گفت: ای رسول الله! می‌خواهم بجنگم و برای این نزد تو آمده‌ام تا با تو مشورت کنم، او^(ص) فرمود: «هَلْ لَكَ مِنْ أُمٍّ» (آیا مادری داری؟)، گفت: بله، فرمود: «فَالْزِمِهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ رِجْلَيْهَا» (پس خودت را ملزم [به اطاعت] از

وی کن! زیر بهشت زیر دو پای وی است)^(٣). لفظ طبرانی این گونه است: «الْكَ وَالِدَانِ» (آیا پدر و مادر داری؟) گفتیم: بله، فرمود: «الْزِمَهُمَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَرْجُلِهِمَا» ([پس خودت را] ملزم [به اطاعت آنها کن!] زیرا بهشت زیر پاهای آن دو است)^(٤).

(1) الترمذی، کتاب البر والصلة، باب ما جاء من الفضل فی رضی الوالدین (۳۱۰/۴) برقم ۱۸۹۹، والحاکم وصححه علی شرط مسلم ووافقه الذهبی (۱۵۲/۴)، وصححه الألبانی فی سلسلة الأحادیث الصحیحة (۲۹/۲) برقم ۵۱۶، وفی صحیح الأدب المفرد (ص ۳۳) برقم ۲.

(2) الترمذی، کتاب البر والصلة، باب ما جاء من الفضل فی رضی الوالدین، وقال: هذا حدیث صحیح (۳۱۱/۴) برقم ۱۹۰۰، وقال عبدالقادر الأرئووط وهو کما قال. انظر: تحقیقه لجامع الأصول (۴۰۴/۱).

(3) النسائی، کتاب الجهاد، باب الرخصة فی التخلف لمن له والدة (۱۱/۶)، برقم ۳۱۰۴، وابن ماجه، کتاب الجهاد، باب الرجل یزور له أبوان، برقم ۲۷۸۱، وأحمد فی المسند (۴۲۹/۳)، والحاکم وصححه ووافقه الذهبی (۱۵۱/۴)، وقال الهیثمی فی مجمع الزوائد (۱۳۸/۸): رواه الطبرانی فی الأوسط ورجاله ثقات، وحسنه عبدالقادر الأرئووط فی جامع الأصول (۴۰۳/۱)، وقال الألبانی فی صحیح سنن النسائی (۳۷۲/۲): حسن صحیح.

(4) الطبرانی فی الکبیر برقم ۲۲۰۲، (۱۸۹/۲)، قال المنذری فی الترغیب (۲۸۵/۳): رواه الطبرانی

۶ - دعای رسول الله ﷺ بر کسی که به پدر و مادرش

هنگام پیری آنها، نیکی نمی‌کند، ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «رَغِمَ أَنْفُهُ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ» (بینی‌اش بر زمین کشیده شود، بینی‌اش بر زمین کشیده شود، بینی‌اش بر زمین کشیده شود)، گفته شد: چه کسی ای رسول الله ﷺ؟! فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ» (کسی که پدر و مادرش در پیری، یکی از آنها یا هر دوی آنها نزد او

باشند و او وارد بهشت نشود) ^(۱). امام قرطبی رحمه الله گفته است: این دعا تأکید دارد بر کوتاهی نمودن به نیکی نمودن به پدر و مادر و شامل دو وجه می‌باشد: یکی از آنها: معنای آن این است که الله تعالی بینی او را بر زمین افکند و او را هلاک گرداند و این در حق کسی است که حقی که برگردنش است تا به آنها نیکی کند را بجا نیاورد. دومین آنها: معنای آن این می‌باشد که الله تعالی او را

پاسناد جید، وقال الألبانی فی صحیح الترفیب والترہیب (۲/۶۵۰): حسن صحیح.

(۱) صحیح مسلم، کتاب البر والصلۃ، باب رغم أنف من أدرك أبويه أو أحدهما عند الکبر فلم یدخل الجنة، (۴/۱۹۷۸)، برقم ۲۵۵۱.

ذلیل نماید؛ زیرا کسی که بینی‌اش - که آن با شرفترین اعضای بدن است - به خاک کشیده شود - خاکی که محل قدم گذاشتن است و پایین‌ترین چیزها می‌باشد - در نهایت خواری و ذلالت قرار می‌گیرد؛ این وقتی اصلاح می‌گردد که او به مستحباتی که بر آنها تأکید شده است، دعوت شود و او کوتاهی نماید و همچنین وقتی اصلاح می‌گردد که در واجبات کوتاهی شود و آن ظاهر کلام است. خاص کردن آن به پیری - در حالی که نیکی به آنها در هر حالتی واجب است - فقط برای آن است که آنها در آن حالت دارای شدیدترین نیاز به وی می‌باشند؛ همچنین آنها برای انجام بسیاری از مصلحت‌هایشان در آن زمان، ضعیف می‌باشند و زمانی برای فرزند به وجود می‌آید که فرصت نیکی کردن به

آنها را غنیمت بشمارد؛ چه بسا که با مرگ آن دو او پشیمان گردد.^(۱)

الله تعالی مخصوص کردن حالت پیری پدر و مادر را برای این بیان داشته است، زیرا در آن امر به نیکوکاری به آنها و نیکی و لطف و مهربانی و محبت به آنها، زیاد می‌شود؛ زیرا آنان در حالتی وجود دارند که احتیاج به نیکی وی دارند؛ زیرا آنها در آن حالت دارای پیری و ضعف می‌باشند، الله سبحانه و تعالی در این حالت مراعات احوال آنها را لازم‌تر از حالت‌های دیگر است؛ زیرا آنها در این حالت به حالتی می‌رسند، شدیداً درمانده می‌شوند و احتیاج دارند تا به آنها رسیدگی شود، همان گونه که وقتی فرزند کودک بود، احتیاج به یاری آن دو داشت؛ به همین دلیل این حالت را خاص گردانده است، همچنین در این حالت حالتی غیر عادی درست شده و بر شخص واجب است که سنگینی آن را بپذیرد و دردها را به خود بخرد و این طور نباشد که گلایه مندی او زیاد شود و در نتیجه خشمش را بر پدر و مادر ظاهر گرداند و رگ‌های گردنش از شدت خشم، گشاد گردند و در نتیجه آن از بین رفتن دینش و کم شدن بصیرتش افزایش یابد، کمترین بدی آن این است که نالیدن او آشکار گردد و این در حالی است که الله تعالی امر فرموده است که در مقابل آنها رفتاری

(۱) المفهم لما أشکل من تلخیص کتاب مسلم (۵۱۸/۶).

(^۱) باکرامت داشته باشد و آن سالم بودن از هر عیبی است^۱، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ إِنَّمَا يُبَلِّغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَلْفٌ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ [الإسراء: ۲۳] (پروردگارت حکم فرموده است که غیر او را عبادت نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آنها یا هر دوی آنها در نزد تو به سن پیری برسند، به آنها [حتی] یک آف نگو و آنان را از نزد خودت مَران و با آنها با سخنی گرامی، سخن بگو). الله ﷻ امر می‌فرماید که نسبت به آن دو تواضع صورت گیرد و بر آنها از روی فروتنی بال مهربانی گسترده شود و این عمل به نیت ثواب بردن می‌باشد و از روی ترس از آن دو نمی‌باشد، الله ﷻ امر فرموده است که برای آن دو دعای رحمت صورت گیرد، چه زنده باشند و چه مُرده باشند و این پاداشی برای آنها به دلیل تربیت نمودن فرزندان و نیکی به وی می‌باشد، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ

(۱) نگاه شود به الجامع لأحكام القرآن للقرطبي (۱۰/۲۴۶).

الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ [الإسراء: ٢٤] (و بر آنها بال فروتنی و مهربانی را بگستران و بگو: پروردگارا به آن دو رحم کن، همان گونه که آن دو در کودکی مرا تربیت نمودند و پرورش دادند).

۷ - رسول الله ﷺ بیان فرموده است که فرزند چگونه می تواند، حق پدر خود را بجا بیاورد، ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لَا يَجْزِي وَلَدٌ وَالِدًا إِلَّا أَنْ يَجِدَهُ مَمْلُوكًا فَيَشْتَرِيَهُ فَيُعْتِقَهُ»^(۱) (فرزند نمی تواند، حق پدر خود را جبران کند، مگر آن که او را برده ای بیابد و او را بخرد و او را آزاد کند).

آبی برده، ابن عمر رضی الله عنهما و مردی یمنی را در حالتی دید که کعبه را طواف می کردند و او مادرش را بر پشتش حمل می نمود و می گفت:

إِنِّي لَهَا بَعِيرُهَا الْمَذْلُومُ إِن أذْغَرْتُ رِكَابَهَا لَمْ أَذْغُرْ

من برای او شتری فروتن هستم اگر سوار شده بر آن بترسد من نمی ترسم
سپس گفت: ای ابن عمر! آیا این گونه می بینی که او

حق مادرش را جبران کند؟ او گفت: خیر حتی به اندازه ی یک آه کشیدن او^(۲).
۸ - نیکی به پدر و مادر نزدیک کننده ترین اعمال به الله تعالی می باشد.

زیرا ابن عباس رضی الله عنهما بیان داشته است که مردی نزد وی آمد و گفت: من از زنی خواستگاری نمودم و او از آن که با او ازدواج کنم، سر باز زد و دیگری از او خواستگاری نمود و او دوست دارد که با او ازدواج کند، بر او غیرتی شدم و او را کشتم، آیا برای من توبه ای وجود دارد؟ گفت: آیا مادر تو زنده است؟ گفت: خیر، گفت: به الله تعالی توبه کن و تا آنجا که می توانی به او تقرب بجو! [عطاء بن یسار گفت:] رفتم و از ابن عباس سوال نمودم: چرا از زنده بودن

(1) مسلم، کتاب العتق، باب فضل عتق الوالد (۱۱۴۸/۲)، برقم ۱۵۱۰.

(2) الأدب المفرد للبخاری (۶۲/۱) برقم ۱۱، وقال الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (۳۶/۱): صحیح الإسناد.

مادر وی سوال نمود؟ او گفت: من عملی را برای تقرب جستن به الله تعالی برتر از نیکی به مادر نمی‌دانم.^(۱)

۹- سخن گفتن نرم با پدر و مادر، انسان را وارد بهشت می‌کند؛ زیرا این عمر رضی الله عنهما به مردی که دچار گناه شده بود و آن را برای این عمر بیان داشت، گفت: این از گناهان کبیره نیست، سپس این عمر رضی الله عنهما از گناهان کبیره سخن گفت، و آنها نه دسته هستند: شرک ورزیدن به الله، قتل برده، فرار از صحنه‌ی جنگ، تهمت زدن به زن پاکدامن، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، الحاد در مسجد، کسی که مسخره می‌کند و گریه‌ی پدر مادر به علت ظلم فرزندان. سپس این عمر گفت: آیا پدرت زنده است؟ آن مرد گفت: من مادری دارم، این عمر گفت: قسم به الله اگر در سخن گفتنت نرمی کنی و به او غذا بخورانی، وارد بهشت می‌شوی اگر از گناهان کبیره خودداری کنی.^(۲)

(1) البخاری فی الأدب المفرد، برقم ۴، وصححه الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (۳۴/۱)، وفی الأحادیث الصحیحة برقم ۲۷۹۹.

(2) الأدب المفرد، للبخاری برقم ۸، وصححه الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (۳۵/۱)، وفی سلسلة الأحادیث الصحیحة ۲۸۹۸.

۱۰ - از نیکی به پدر و مادر، شاد کردن آنها می‌باشد؛

عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است که مردی نزد پیامبر ﷺ آمد تا بر هجرت با او بیعت کند و پدر و مادرش را در حالی که گریه می‌کنند، ترک نماید، فرمود: «ارْجِعْ عَلَيْهِمَا فَأُضْحِكُهُمَا كَمَا أَبْكَيْتُهُمَا»^(۱) (به نزد آن دو برگرد و همان گون که آنها را به گریه انداختی آنان را بخندان).

۱۱ - از نیکی به پدر و مادر و نیکوکاری در حق آنها

این است که شخص باعث نشود تا به آنها دشنام داده شود و آنها را آزار دهند و سببی نشود تا به آنها بی‌احترامی صورت گیرد. عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ الْكَبَّائِرِ شَتَمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ» (از گناهان کبیره این است که شخص پدر و مادرش را دشنام دهد) گفتند: ای رسول الله! آیا کسی وجود دارد که پدر و مادرش را دشنام دهد، فرمود: «نَعَمْ يَسِبُ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسِبُ أَبَاهُ وَيَسِبُ أُمَّهُ فَيَسِبُ أُمَّهُ» (بله، [آن وقتی است] که شخص پدر دیگری را دشنام می‌دهد و او نیز [در عوض] پدر او را دشنام می‌دهد و [همچنین] وقتی است که او مادر دیگری را دشنام می‌دهد و او [در عوض] مادر او را دشنام

می‌دهد)^(۲). لفظ ابوداود نیز این گونه است: «إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ الْكَبَّائِرِ أَنْ يَلْعَنَ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ» (از بزرگترین گناهان کبیره آن است که شخصی پدر و مادرش را لعنت کند)، گفته شد: چگونه شخصی پدر و مادر خود را لعنت می‌کند؟ فرمود: «يَلْعَنُ أَبَا الرَّجُلِ فَيَلْعَنُ أَبَاهُ وَيَلْعَنُ أُمَّهُ فَيَلْعَنُ أُمَّهُ» (شخص پدر دیگری را لعنت می‌کند

(۱) أخرجه أبو داود، كتاب الجهاد، باب في الرجل يفرّو وأبواه كارهان، برقم ۲۵۲۸، والنسائي، كتاب البيعة، باب البيعة على الهجرة، برقم ۴۱۷۴، وابن ماجه، كتاب الجهاد، باب الرجل يفرّو وله أبوان، برقم ۲۷۸۲، والبخاري في الأدب المفرد برقم ۱۳، وصححه الألبانی في صحيح الأدب المفرد (۳۷/۱)، وفي إرواء الغلیل برقم ۱۱۹۹، وفي صحيح النسائي (۱۲۲/۳) وغير ذلك.

(۲) متفق عليه: البخاري، كتاب الأدب، باب لا يسب الرجل والديه (۹۲/۷)، برقم ۵۹۷۳، ومسلم، كتاب الإيمان، باب بيان الكبائر وأكبرها (۹۲/۱)، برقم ۹۰، وأبو داود، كتاب الأدب، باب بر الوالدين، برقم ۵۱۴۱، ولفظ البخاري: إن من أكبر الكبائر أن يلعن الرجل والديه الحديث.

و او [نیز در عوض] پدر او را لعنت می‌کند و شخص مادر دیگری را لعنت می‌کند و او [نیز در عوض] مادر او را لعنت می‌کند).

علی بن ابی طالب علیه السلام آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ آوَى مُحَدَّثًا وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَيْهِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَيَّرَ الْمَنَارَ»^(۱) (کسی که به اسم غیر از الله [جاننداری] را ذبح کند را الله او لعن می‌فرماید و الله کسی را که در زمین فساد می‌کند را لعن می‌فرماید و الله کسی که پدر و مادرش را لعن کند را لعن می‌نماید و الله کسی که علامت‌های مرزها را تغییر می‌دهد را لعن می‌کند).

۱۲ - درست است که نیکی به پدر و مادر فرض و واجب است و در حق برگردن آنها تفاوت وجود دارد، مادر سختی حاملگی و سختی زایمان و سختی شیر دادن و تربیت را به عهده دارد که این سه امر مادر را [از بقیه] جدا می‌کند^(۲)، ابوهریره رضی الله عنه آورده است که مردی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله

(1) صحیح مسلم، کتاب الأضاحی، باب تحریم الذبح لغیر الله تعالی ولعن فاعله (۱۵۶۷/۳)، برقم ۱۹۷۸.

(2) نگاه شود به الجامع لأحكام القرآن للقرطبی (۲۴۴/۱۰).

آمد و گفت: ای رسول الله! چه کسی سزاوارتر به نیکویی معاشرت من می باشد؟
 فرمود: مادر، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: مادر، گفت: سپس چه کسی؟
 فرمود: مادر، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: سپس پدرت^(۱). در روایت مسلم
 نیز آمده است: «أُمُّكَ ثُمَّ أُمُّكَ ثُمَّ أُمُّكَ ثُمَّ أَبُوكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ أَدْنَاكَ»^(۲) (مادر،
 سپس مادر، سپس مادر، سپس پدر، سپس نزدیکتر و نزدیکتر).

۱۳ - از کامل بودن نیکی [به والدین] معاشرت با
 دوستان پدر و مادر است، عبدالله بن دینار از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما
 آورده است: مردی از بادیه نشینان عرب در راه مکه او را ملاقات نمود، عبدالله
 بر وی سلام نمود و او را بر الاغی که سوار بود، سوار کرد و عمامه‌ای را که بر
 سر داشت به او داد، عبدالله بن دینار گفت: الله تو را اصلاح کند! آنان بادیه نشین
 می باشند و آنان به آسان بودن راضی هستند، عبدالله^(۳) گفت: این شخص دوست
 عمر بن خطاب^(۴) پدرم بود و من از رسول الله^(۵) شنیدم که می فرمود: «إِنَّ أَبْرَّ
 الْبَرِّ صَلََةُ الْوَلَدِ أَهْلٍ وَدُّ آبِيهِ» (از نیک ترین نیکی ها [به پدر]، معاشرت [و نیکی
 کردن] به دوستان پدر است)^(۶). از اعمال پاک و با یرکت این است که فرزندان
 بعد از مرگ پدر و مادر به آنها نیکی کنند: شامل درود فرستادن برای آنها و
 طلب آموزش نمودن برای آنها و عملی نمودن پیمان آنها بعد از [مرگشان] است
 و همچنین صله‌ی رحمی که فقط به آنها می رسد و همچنین گرمی داشتن دوست
 آنها است^(۷).

(۱) متفق علیه: البخاری، کتاب الأدب، باب من أحق الناس بحسن الصحبة (۹۱/۷)، برقم ۵۹۷۱،
 و مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب بر الوالدین وأنها أحق به (۱۹۷۴/۴)،
 برقم ۲۵۴۸.

(۲) رواية للحديث السابق عند مسلم، فی الكتاب والباب السابقین (۱۹۷۴/۴).

(۳) مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب فضل صلة أصدقاء الأب والأم ونحوهما (۱۹۷۹/۴) برقم
 ۲۵۵۲.

(۴) نگاه شود به سنن أبی داود، برقم ۵۱۴۲، وابن ماجه، برقم ۳۶۶۴، وأحمد (۴۹۷/۳)، وضعفه
 الألبانی فی الضعيفة برقم ۵۹۷.

۱۴ - نیکی به پدر و مادر مخصوص پدر و مادر

مسلمان نیست، بلکه حتی اگر کافر نیز باشند، باید انجام پذیرد، باید در این حالت نیز به آنها نیکی کرد و به آنها نیکوکاری نمود، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵] (اگر کوشش نمودند تا به من شرک بورزی در حالی که از آن آگاهی نداری، پس از آنها اطاعت نکن! و با آنها در دنیا به نیکی معاشرت کن!).

أسماء بنت ابوبکر رضی الله عنهما گفته است: مادرم در زمان پیامبر ﷺ با رغبت به نزد من آمد، از پیامبر ﷺ سوال نمودم: آیا با او صله‌ی رحم کنم؟ فرمود بله، این عیینة گفته است: در آن هنگام الله تعالی در باره‌ی آن نازل فرمود: ﴿لَا يَنْهَنكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَنِّتُواكُمْ فِي الَّذِينَ﴾ [الممتحنة: ۸] (الله شما را [از دوست داشتن کافرانی] که برای

^۱ - صله‌ی رحم فقط دید و بازدید نیست بلکه انتقال دادن عاطفه نیز می‌باشد. (مترجم)

()

دین شما با شما جنگ ننموده‌اند نهی نمی‌فرماید) ^۱.

از بزرگترین نیکی به آنها، دعوت دادن آنها به سوی الله ﷻ است و چیزی را به آنها آموزش دهیم که به آنها منفعت [دنیوی و اخروی] برساند؛ آن و سزاوارترین انسانها به مدارا نمودن و مهربانی می‌باشند.

۱۵ - از بزرگترین حقهای آنها این است که پیامبر ﷺ

عاق شدن توسط آنها را همراه شرک به الله ﷻ بیان نموده است؛ ابوبکره ﷺ آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «أَلَا أُتَبِّحُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكِبَائِرِ» (آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره باخبر سازم؟) سه بار این سخن را تکرار نمود. گفتند: بله ای رسول الله! فرمود: «الْإِشْرَاقُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ» (شرک ورزیدن به الله و [آزار دادن] پدر و مادر و عاق شدن توسط آنها) مدتی نشست و تکیه داد و فرمود: «أَلَا وَقَوْلُ الزُّوْرِ» (آگاه باشید و همچنین گواهی دادن دروغ)، آنقدر آن را تکرار نمود، تا

()

این که گفتیم: ای کاش سکوت می‌فرمود ^۲.

عمیر بن قتاده لثی گفته است: مردی گفت: ای رسول الله! گناهان کبیره کدامند؟ فرمود: آنها نه عدد هستند [و هفت عدد از آنها در حدیث ابوهیره ﷺ که متفق علیه می‌باشد و شامل هفت هلاک کننده است، آمده

()

است] ^۳ در این حدیث اضافه می‌فرماید: «وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمِينَ وَأَسْخِطَالُ

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الأدب، باب صلة الوالد المشرک (۹۲/۷)، برقم ۵۹۷۸، ومسلم، کتاب الزکاة، باب فضل التفقة على الأقربین والزوج والأولاد والوالدین ولو كانوا

مشرکین (۹۹۶/۲) برقم ۱۰۰۳، والآية من سورة الممتحنة: ۸.

(2) متفق علیه: البخاری، کتاب الشهادات، باب ما قيل في شهادة الزور (۲۰۴/۲)، برقم ۲۶۵۴، ومسلم، کتاب الإيمان، باب الکبائر وأکبرها (۹۱/۱)، برقم ۸۷.

(3) متفق علیه من حدیث أبی هريرة رضي الله عنه: البخاری، کتاب الوصایا، باب قول الله تعالى: ﴿

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ آلِيَتَتَمَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي

بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ [النساء: ۱۰] برقم ۲۷۶۶، ومسلم،

کتاب الإيمان، باب الکبائر وأکبرها، برقم ۸۹، لفظ او این گونه است: از هفت

هلاک کننده اجتناب بورزید! گفته شد: آنها کدامند ای رسول الله!؟ فرمود:

«الشُّرْکُ بِاللَّهِ وَالسَّحَرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ

(۱) «الْبَيْتِ الْحَرَامِ قَبْلَتَكُمْ أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا» (و آزار دادن پدر و مادر مسلمان و عاق شدن توسط آنها و حلال کردن حرمت مسجد الحرام که قبله‌ی زنده و مرده شما می‌باشد).

انس رضی الله عنه آورده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی گناهان کبیره سوال شد و او فرمود: «الْإِشْرَاقُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَتْلُ النَّفْسِ وَشَهَادَةُ الزُّوْرِ» (۱) (شرک ورزیدن به الله و عاق شدن پدر و مادر و کشتن شخصی [به ناحق] و گواهی دروغ).

وَأَكْلُ الرِّبَا وَالشُّوْكَى يَوْمَ الرَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْفَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» (شرک به الله و جادو [و دغا نویسی] کشتن کسی که الله کشتن او را حرام فرموده است، مگر از روی حق و خوردن مال یتیم و رباخواری و فرار کردن از صحنه‌ی جنگ و تهمت زدن به زنان مؤمن پاک‌بی‌توجه به گناه).

(۱) أبو داود، کتاب الوصایا، باب ما جاء فی التشدید فی أكل مال الیتیم، برقم ۲۸۷۵، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن أبی داود (۲/۲۰۹).

(۲) متفق علیه: البخاری، کتاب الشهادات، باب ما قبل فی شهادة الزور (۳/۲۰۴)، برقم ۲۶۵۳، ومسلم، کتاب الإیمان، باب الکبائر وأکبرها (۱/۹۱)، برقم ۸۸.

مغیره^(۱) آورده است که پیامبر^(ص) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الْأُمّهَاتِ وَمَمْعًا وَهَاتِ وَوَادَ الْبَنَاتِ وَكَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ»^(۲)
 (الله بر شما حرام کرده است: عاق شدن مادران و منع نمودن بچا آوردن حق دیگران و زنده به گور کردن دختران و برای شما کراهت می‌ورزد که داد و فریاد راه بیاندازید و زیاد درخواست کنید و مال را حیف و میل نمایید).

۱۶ - از نیکی به پدر و مادر، اعتراف به فضیلت و بخشش آنها و دعا کردن برای آنها می‌باشد، اُمی مره مولای اُم هانی بنت اُمی طالب گفته است: او همراه ابوهریره سوار بود و به سوی سرزمینش [عقیق] می‌رفت، وقتی داخل سرزمینش شد با صدای بلند، فریاد برآورد: بر تو سلام و رحمت الله و برکات وی باشد ای مادر! آن زن نیز گفت: وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته، آن مرد گفت: الله تو را رحمت کند که مرا در کودکی پرورش دادی! آن زن گفت: ای پسرکم! و الله به تو پاداش خیر دهد و از تو راضی باشد که به من در پیری نیکی نمودی^(۳).

۱۷ - نیکی به پدر و مادر، وصیت رسول الله^(ص) است؛ زیرا ابو درداء^(ص) گفته است: رسول الله^(ص) مرا به نه چیز وصیت نمود، [به من فرمود:] ذره‌ای به الله شرک نورز! حتی اگر قطعه قطعه شدی و آتش زده شدی، به عمد نماز واجب را ترک نکن و کسی که از روی عمد آن را ترک کند، عهده از طرف الله بر وی نمی‌باشد، هرگز شراب ننوش؛ زیرا آن کلید هر شری است، از پدر و مادر اطاعت کن، حتی اگر تو را از دنیایت خارج کردند برای آنها خارج شو، با صاحبان امر مخالفت نکن! حتی اگر فقط تو بر حق بودی، از صحنه‌ی جنگ فرار نکن! حتی اگر هلاک شدی و دوستانت فرار کردند، در غنی و بی‌نیازی بر اهلت انفاق کن! [و در صورت انجام گرفتن شر]

(1) البخاری، کتاب الأدب، باب عقوق الوالدین من الکبائر برقم ۵۱۷۵، و مسلم، کتاب الأقضیه، باب نهی عن کثرة السؤل من غیر حاجة و نهی عن منع وهات برقم ۵۸۳.
 (2) البخاری فی الأدب المفرد برقم ۱۴، وحسن إسناده الألبانی فی صحیح الأدب المفرد (۳۷/۱).

()
از طرف اهلت، چوب دستی خود را ترک نکن! و آنها را از الله ﷻ بترسان^۱.

۱۸ - از بزرگترین حقوق والدین آن است که فرزند

ملک پدرش می‌باشد؛ زیرا عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله! برای من مال و فرزندی وجود دارد، اگر پدرم مال مرا از بین می‌برد، چه کار کنم؟ فرمود: «أَنْتَ وَمَالُكَ لِوَالِدِكَ إِنْ أَوْلَادُكُمْ مِنْ أَطْلَبٍ كَسِبْتُمْ فَكُلُوا مِنْ كَسْبِ أَوْلَادِكُمْ» (تو و مالت برای پدرت هستید، فرزندان شما پاک‌ترین کسبتان می‌باشند، پس از کسب و کار فرزندان‌تان بخورید).

()
در لفظ این ماجه به جای «والدک»، «ایک» آمده است [که یک معنا می‌دهند]^۲.

۱۹ - دعای پدر و مادر مستجاب می‌شود.

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مرد عابدی وجود داشت و در

(1) أخرجه ابن ماجه، نحوه كتاب الفتن، باب الصبر على البلاء، برقم ۴۰۳۴، والبخاری بلفظه فی الأدب المفرد، برقم ۱۸، وحسنه الألبانی فی إرواء الغلیل برقم ۲۰۸۶، وفی صحیح سنن ابن ماجه (۳/۳۲۱)، وفی صحیح الأدب المفرد (ص ۳۸).

(2) أخرجه أبو داود، كتاب البيوع، باب فی الرجل يأكل من مال ولده، برقم ۳۵۳۰، وابن ماجه، كتاب التجارات، باب ما للرجل من مال ولده، برقم ۲۲۹۲، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن أبي داود (۲/۳۸۰).

صومعه‌ای که برای وی بود، می‌بود، در حالی که نماز می‌خواند، مادرش نزد وی آمد و [مادر] گفت: ای جریح من مادر تو هستم با من سخن بگو! او گفت: ای پروردگارا! مادرم و نمازم، و رو به نماز نمود، در روز دوم نیز این چنین شد و او رو به نماز نمود، در روز سوم [مادر] نزد وی آمد و او گفت: پروردگارا! مادرم و نمازم و رو به نماز نمود، [مادر] گفت: یا الله او را نمیران تا این که به صورت زنان فاحشه نگاه کند، الله [تعالی] دعای او را مستجاب نمود و زن هرزه‌ای از بنی اسرائیل که از زنا حامله شده بود، به او تهمت زد و گفت: آن مرد با من این گونه کرده است و او عذاب داده شد و صومعه‌اش ویران گشت و در انتها الله او را بعد از مجازات نزدیکی، نجات داد^(۱).

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ثَلَاثُ

دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ دَعْوَةُ الْوَالِدِ وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ»^(۲)
(سه دعا هستند که مستجاب می‌شوند و شکی در آن وجود ندارد: دعای پدر [برای فرزند] و دعای مسافر و دعای مظلوم).

۲۰ - الله تعالی کسی که به پدر و مادر نیکی کند، اگر به آن عمل توسل نماید، دعایش را مستجاب می‌کند؛ در این باره حدیثی است که در مورد سه نفر که در غاری بودند و سنگ بزرگی جلوی درب غار را گرفت آمده است؛ یکی از آنها کسی بود که به عملش که نیکی به پدر و مادر بود، توسل

(1) نگاه شود به صحیح البخاری، کتاب أحادیث الأنبياء، باب «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا» (۱۶۸/۴)، برقم ۳۴۳۶، وسلم، کتاب البر والصلة، باب تقديم بر الوالدین علی التطوع بالصلاة وغيرها (۱۹۷۶/۴)، برقم ۲۵۵۰.
(2) أبو داود، کتاب الصلاة، باب الدعاء بظهر الغیب (۸۹/۲)، برقم ۱۵۳۶، والترمذی، کتاب البر والصلة، باب ما جاء فی دعوة الوالدین (۳۱۴/۴)، برقم ۱۹۰۵، وابن ماجه، کتاب الدعاء، باب دعوة الوالد ودعوة المظلوم (۱۲۷۰/۲)، برقم ۳۸۶۲، وحسنه الألبانی فی صحیح الأدب المفرد للبخاری (ص ۴۳)، وانظر: سلسلة الأحادیث الصحيحة للألبانی (۱۴۷/۲) برقم ۵۹۶.

(۱)

پیدا کرد و الله تعالی دعای او را مستجاب نمود [و درب غار باز شد]^۱.

در این باره پیامبر ﷺ از بهترین تابعین به ما خیر داده است و او کسی است که اگر به الله تعالی قسم بخورد، الله تعالی سخن او را راست می‌گرداند [و آنچه که قسم خورده است، عملی می‌شود] و سبب آن این است که

(۲)

او مادری داشت که به وی نیکی می‌کرد^۲.

۲۱ - از بزرگترین حقوق پدر و مادر این است که الله تعالی برای کسی که عاق والدین شود، بهشت را حرام نموده است. زیرا عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَالْعَاقُ وَالِدِيَّوْتُ الَّذِي يُقْرِ فِي أَهْلِهِ

(۳)

الْخُبْتُ» (سه [گروه] هستند که الله تبارک و تعالی بهشت را بر آنان حرام نموده

(1) متفق علیه: انظر: البخاری، کتاب البیوع، باب [إذا اشترى شیئاً لغيره بدون = -] إذنه فرضی (۵۰/۳)، برقم ۲۲۱۵، و مسلم، کتاب الذکر والدعاء، والتوبة والاستغفار، باب قصة أصحاب الغار الثلاثة والتوسل بصلح الأعمال (۲۰۹۹/۴) برقم ۲۷۲۳.

(2) مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل أویس القرنی (۱۹۶۸/۴) برقم ۲۵۴۲.

(3) أحمد (۲۷۲/۹) برقم ۵۳۷۲، و (۲۶۹/۱۰)، برقم ۶۱۱۳، و (۳۲۲/۱۰) برقم ۶۱۸۰، وصححه

است: دائم الخمر، عاق [شده توسط والدین] و دیوث کسی که اعمال خبیث را در حضور اهلش انجام می‌دهد.

۲۲- از بزرگ بودن حقوق والدین این است که الله تعالی به کسی که عاق پدر و مادر شده باشد، روز قیامت نمی‌نگرد؛ زیرا عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْعَاقُ لَوَالِدَيْهِ، وَالْمَرْأَةُ الْمَرْجُلَةُ، وَالذَّيْوُثُ، وَثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: الْعَاقُ لَوَالِدَيْهِ، وَالْمَدْمَنُ عَلَى الْخَمْرِ، وَالْمَنَانُ بِمَا أُعْطِيَ»^(۱) (سه گروه هستند که الله ﷻ در روز قیامت به آنها نگاه نمی‌کند: عاق پدر و مادر و زنی که خود را شبیه مردان درست می‌کند و دیوث [کسی که اعمال زشت را نزد اهلش انجام می‌دهد] و سه گروه هستند که داخل بهشت نمی‌گردند: عاق پدر و مادر و دائم الخمر و کسی که وقتی بخششی می‌کند، مت می‌گذارد).

۲۳- مادر اگر از دست داده شود، الله تعالی حق او را بر خاله قرار می‌دهد؛ براء بن عازب رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «الْخَالَةُ بِمَنْزِلَةِ الْأُمِّ»^(۲) (خاله به منزله‌ی مادر است)؛ همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله! من گناه بزرگی انجام داده‌ام آیا از من توبه پذیرفته می‌شود؟ فرمود: «هَلْ لَكَ مِنْ أُمٍّ» (آیا مادری داری؟) گفت: خیر، فرمود: «هَلْ لَكَ مِنْ خَالَةٍ» (آیا خاله‌ای داری؟) گفت: بله، فرمود: «فَبِرَّهَا» (پس به او نیکی کن!)^(۳).

چهارم: انواع نیکی که به پدر و مادر بعد از مرگشان می‌رسد، بسیار زیاد و متنوع هستند که ما در اینجا تعدادی از آنها را می‌شماریم:

محققو المسند، وقال الألبانی فی صحیح الترغیب (۶۶۲/۲): حسن لغیرہ.
(۱) السلی، کتاب الزکاة، باب المنان بما أُعْطِيَ، رقم ۲۵۶۱، وأُحْمَدُ فی المسند (۳۳۲/۱۰) برقم ۶۱۸۰، وصححه محققو المسند، وصححه الألبانی قال: حسن صحیح صحیح الترغیب (۶۶۲/۲) وفي صحیح السلی (۲۱۶/۲).
(۲) الترمذی، کتاب البر، باب ما جاء فی بر الخالة، برقم ۱۹۰۴، وصححه الألبانی فی الإرواء برقم ۲۱۹۰، وفي صحیح الترمذی (۳۴۳/۲).
(۳) الترمذی فی کتاب البر، باب ما جاء فی بر الخالة، بعد الحديث رقم ۱۹۰۴، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی (۳۴۳/۲).

۱ - طلب استغفار و آمرزش نمودن برای آنها، الله تعالی

دعای ابراهیم (علیه السلام) را یاد نموده و می‌فرماید: ﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴾ [ابراهیم: ۴۰، ۴۱]
(پروردگارا! مرا برپاکننده نماز قرار بده! و همچنین فرزندانم را! پروردگارا دعا را قبول بفرما * پروردگارا! در روز برپایی حساب و کتاب، مرا و پدر و مادرم را و مؤمنان را ببامرز).

الله تعالی دعای نوح (علیه السلام) را یاد نموده و می‌فرماید: ﴿ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴾ [نوح: ۲۸] (پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و کسی که مؤمن است و به خانه‌ی من داخل می‌شود و مردان و زنان مؤمن را ببامرز! و بر ظالمان چیزی را زیاد نکن، مگر هلاک و نابودی را)؛ همچنین ابوهریره (رضی الله عنه) آورده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ الدَّرَجَةَ لِلْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي الْجَنَّةِ قِيْلُ يَا رَبِّ أَتَى لِي هَذِهِ قِيْلُ بِاسْتِغْفَارٍ وَلَكَ

لَكَ»^(۱) (الله ﷻ درجه‌ی بنده‌ی صالحی را در بهشت بالا می‌برد [آن بنده] می‌گوید: این از کجا برای من آمده است؟ می‌فرماید: با طلب آموزش فرزندت).
ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مرده‌ای درجه‌ی او بعد از مرگش بالا می‌رود و می‌گوید: ای پروردگار! این از کجا آمده است، فرموده می‌شود: فرزندت برایت طلب آموزش نموده است^(۲).

۲- دعا برای آن دو: ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ وَعِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ وَوَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»^(۳) (اگر انسان بمیرد، عمل او قطع می‌شود، مگر در سه چیز: صدقه‌ای که جاری باشد و علمی که از آن منفعت برده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند).

۳- بجا آوردن قرض و دین آن دو: ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ»^(۴) (نفس مؤمن، معلق به دینش است، تا این که ادا شود).

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ»^(۵) (تمامی گناهان شهید بخشیده می‌شود، مگر دین).

(۱) أحمد فی المسند (۲۰۹/۲)، قال الإمام ابن كثير رحمه الله تعالى في تفسيره (۲۴۳/۴): إسناده صحيح.

(۲) البخاری فی الأدب المفرد، برقم ۳۶، وقال الألبانی فی صحيح الأدب المفرد (ص ۴۵): حسن الإسناد.

(۳) مسلم، كتاب البر والصلة، باب ما يلحق الإنسان من الثواب بعد وفاته، برقم ۱۶۳۱.

(۴) أحمد (۲۴۰/۲)، والترمذی، كتاب الجنائز، باب ما جاء عن النبي ﷺ أنه قال: «نفس المؤمن معلقة بدینه حتى يقضى عنه برقم ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، وابن ماجه، كتاب الصدقات، باب التشديد فی الدين، برقم ۲۴۱۳، وصححه الألبانی فی صحيح الترمذی (۵۴۷/۱).

(۵) مسلم، كتاب الإمامة، باب من قتل فی سبيل الله كُفرت خطاياہ إلا الدين، برقم ۱۸۸۶.

۴ - بجا آوردن نذر آنها؛ مانند نذر روزه، حج یا عمره

و یا چیزهای دیگری که نیابت در آن جایز است.

۵ - بجا آوردن کفاره‌های آنها؛ مانند کفاره‌ی قسم،

کفاره‌ی قتل غیر عمد و غیره؛ این واجبات در سخنی که در حدیثی که ابن عباس رضی الله عنهما آن را آورده است وجود دارد، در آن آمده است: زنی نذر کرد تا یک ماه روزه بگیرد و روزه نگرفت تا مُرد، نزدیک او، خواهر و یا دختر وی نزد پیامبر ﷺ آمد و آن را برای پیامبر ﷺ ذکر نمود، پیامبر ﷺ فرمود: «رَأَيْتِكِ لَوْ كَانَ عَلَيْهَا دِينَ كُنْتَ تَقْضِيهِ» (آیا اگر دینی بر گردن وی بود، آن را ادا می نمودی؟)، گفت: بله، فرمود: «فَدَيْنُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَقُّ أَنْ يُقْضَى» (پس دین الله ﷻ سزاوارتر

(۱)

به پرداخت شدن می باشد) ^۱. تمامی دیون برای الله تعالی واجب هستند، مانند:

کفاره‌ها، نذرها، حج واجب (فرض) و عمره و روزه، همه‌ی آنها در این سخن پیامبر علیه الصلاة والسلام وارد می شود: «فَدَيْنُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَقُّ أَنْ يُقْضَى» (پس دین الله ﷻ سزاوارتر به پرداخت شدن می باشد).

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الصوم، باب من مات وعليه صوم، برقم ۱۹۵۳، و مسلم، کتاب الصیام، باب قضاء الصوم عن الميت برقم ۱۱۲۸.

۶- به اجرا در آوردن وصیت آنها، اگر وصیتی نموده باشند و آن یک سوم و یا کمتر از آن از اموال آنها می‌باشد؛ به اجرا در آوردن وصیت واجب است و باید به آن سرعت داده شود، چه در واجب باشد و چه در مستحب، اگر واجب باشد باید به آن سرعت دهند تا پیمانی بر گردن میت نماند و اگر از امور مستحب باشد باید برای اجر بردن آن دو، سرعت داد شود و شایسته است که قبل از دفن وصیت اجرا شود.

۷- بجا آوردن روزه‌ی واجب (فرض) ماه رمضان برای آن دو؛ زیرا عایشه رضی الله عنها آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ صِيَامٌ صَامَ عَنْهُ وَلِيُّهُ»^(۱) (کسی که بمیرد و روزه‌ای بر گردن وی باشد، ولی او از طرف او روزه بگیرد).

۸- صله‌ی رحمی که به کسی نمی‌رسد، مگر آن دو؛ زیرا ابو بردةؓ گفته است: به مدینه آمدم و عبدالله بن عمر نزد من آمد و گفت: آیا می‌دانی برای چه نزد تو آمده‌ام؟ گفتم: خیر، گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصِلَ أَبَاهُ فِي قَبْرِهِ فَلْيَصِلْ إِخْوَانَ أَبِيهِ بَعْدَهُ» (کسی که دوست دارد با پدرش در قبرش صله‌ی رحم بجا بیاورد، پس برادران [دینی] پدرش را ملاقات کند)، از آنجا که بین پدرم عمر و بین پدرت برادری [و دوستی وجود داشت، دوست داشتم تا با تو ملاقات کنم].^(۲)

۹- گرامی داشتن دوست آن دو بعد از آنها؛ زیرا ابن عمر رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ أَبْرَأَ الْبَرِّ صَلََةُ الْوَلَدِ أَهْلَ وَدُّ أَبِيهِ» (از نیک‌ترین نیکی‌ها [به پدر و مادر] معاشرت [و نیکی کردن] به دوستان پدر است).^(۳)

این چنین است که برای نیکی کردن به مُرده می‌توان به

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الصوم، باب من مات وعليه صوم، برقم ۱۹۵۲، و مسلم، کتاب الصیام، باب قضاء الصوم عن الميت برقم ۱۱۴۷.

(2) ابن حبان فی صحیحہ (۱۷۵/۲) برقم ۲۳۲، وأبو یعلیٰ فی مسنده (۳۷/۱۰) برقم ۵۶۶۹، وقال شعیب الأرنؤوط فی تحقیقه لصحیح ابن حبان (۱۷۵/۲): [إسناده صحیح علی شرط البخاری وقال الألبانی فی صحیح الترغیب والترہیب (۶۵۹/۲): حسن.

(3) مسلم، برقم ۲۵۵۲، وتقدم تخریجه فی عنوان رقم (۱۳).

دوستان وی نیکی کرد و پدر و مادر سزاورتر به نیکی کردن به آنها بعد از مرگشان می‌باشند، زیرا عایشه رضی الله عنها گفته است: بر هیچ کدام از زنان پیامبر به غیرت نیافتم آنچنان که برای خدیجه به غیرت افتادم؛ زیرا [پیامبر ﷺ] او را زیاد یاد می‌کرد و من هرگز او را ندیدم، رسول الله ﷺ وقتی گوسفندی ذبح می‌نمود، می‌فرمود: «أَرْسِلُوا بِهَا إِلَى أَصْدِقَاءِ خَدِيجَةَ» (آن را برای دوستان خدیجه بفرستید!) روزی از او خشمگین شدم و گفتم: آیا خدیجه؟! رسول الله ﷺ فرمود: «إِنِّي قَدْ رَزَقْتُ حَبَّهَا» (دوست داشتن او به من روزی داده شده است) و در لفظی دیگر آمده است: اگر گوسفندی ذبح می‌نمود آن را به دوستان وی هدیه می‌داد.^(۱)

۱۰ - صدقه دادن از طرف آنها؛ زیرا سعد بن عبادة رضی الله عنه، مادرش فوت نمود و گفت: ای رسول الله! مادرم فوت کرد در حالی که من از نزد او غایب بودم، آیا اگر از طرف او صدقه‌ای بدهم به او منفعتی می‌رسد؟ فرمود: بله، گفت: تو را شاهد می‌گیرم که باغ بستانی که دارم و دور آن

(۱) مسلم، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل خدیجة أم المؤمنین رضی الله عنها، برقم ۲۴۳۵.

(۱)
 دیوار کشیده است را برای وی صدقه دهم^۱. نیکی به پدر و مادر در زندگی آنها
 و بعد از مرگ آنها جریان دارد، اگر کسی فرصت نیکی کردن به آنها را در
 زندگی‌شان از دست دهد، الله تعالی آن را بعد از مرگشان به جریان می‌اندازد،
 یکسان است که از طرف آنها صدقه داده شود یا برای آنها طلب آمرزش و دعا
 و پرداخت دین و نذرها و کفارات باشد یا عهد و پیمان آنها بعد از آنها به اجرا
 در آید، یا صله‌ی رحمی صورت گیرد که فقط به آنها می‌رسد، یا ملاقات و
 معاشرت با کسانی که دوست آنها بودند یا انواع دیگری از نیکی و نیکوکاری به
 آنها.

و صلی الله و سلم و بارک علی نبینا محمد و علی آله
 و أصحابه أجمعین.

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الوصایا، باب إذا قال: أرضی أو یستأنی صدقة عن أمی فهو جائز،
 وإن لم یُبین لمن ذلک، برقم ۲۷۵۶.